

حق تفاوت فرهنگی در برابر

یکسان سازی هویتی



فرشید
فرحناکیان
حقوقدان

نام گذاری مسابقه ایران و مصر در جام جهانی ۲۰۲۶ به عنوان «دیدار افتخار» در حمایت از دگرباشان جنسی و جنسیتی، موجی از واکنش ها را در ایران و مصر برانگیخته است. در نگاه اول، این تصمیم آمریکا بخشی از سیاست گسترده تری برای حمایت از دگرباشان جنسی (LGBTQ) است؛ اما از منظر

ایران، مسأله نه مخالفت با حقوق بشر، بلکه اعتراض به تحمیل فرهنگی و استفاده سیاسی از فوتبال است. تفاوت این دو رویکرد، کلید تحلیل حقوقی و رسانه‌ای ماست.

بی طرفی ورزشی زیر سایه یک پیام فرهنگی

فیفا سال هاست ادعا می‌کند که فوتبال باید «بی طرف از سیاست» بماند. این اصل در جریان بحران‌های سیاسی متعدد، از جنگ روسیه و اوکراین تا انتقادات علیه قطر ۲۰۲۲، بارها زیر سوال رفته است؛ اما نام گذاری یک بازی رسمی تحت عنوان «دیدار افتخار» (Pride Match) به معنای القای یک پیام اجتماعی و فرهنگی مشخص است. ایران می‌تواند با تکیه بر اصول خود بگوید: اگر فوتبال سیاسی نیست، چرا یک مسابقه بین المللی زیر پرچم یک جنش اجتماعی که محل اختلاف جدی در بسیاری از نقاط دنیا، حتی در خود ایالات متحده و شخص

ترامپ و هم حزبی هایش بوده، برگزار می شود؟ **حق تفاوت فرهنگی: اصل فراموش شده در اساسنامه فیفا** اساسنامه فیفا در مواد ۴، ۳ و ۵ از یک سو بر عدم تبعیض تأکید دارد؛ اما از سوی دیگر، اصل احترام به تنوع فرهنگی، دینی و اجتماعی را هم به رسمیت می شناسد. ایران می‌تواند با استناد به این اصل استدلال کند که ماهیبعی چون هویت جنسی و روابط انسانی در فرهنگ ها و نظام های حقوقی مختلف متفاوت تعریف می شود. هیچ عضو فیفا نباید ناخواسته به نماد یک جنش اجتماعی تبدیل شود. استقلال فرهنگی کشورها بخشی از هویت همان تنوعی است که فیفا ادعا می کند از آن دفاع می کند؛ بنابراین اعتراض ایران، واکنشی حقوقی به تعرض میان تنوع واقعی و یکسان سازی فرهنگی است؛ نه مخالفت با حقوق بشر.

مسیر حقوقی اعتراض در چهارچوب فیفا

ایران می‌تواند مطابق ماده ۵۷ اساسنامه فیفا پیگیر رد اعتراضش در فیفا در دیوان مستقل داور ورزش به نام (CAS) باشد؛ با این استدلال اصلی که فیفا نمی‌تواند ارزش های فرهنگی یک جانبه را به یک عضو مسلمان تحمیل کند؛ آن هم در بستری که به ظاهر

قرار بود غیرسیاسی بماند.

حتی اگر احتمال موفقیت نهایی بالا نباشد: طرح اعتراض دو کارکرد مهم دارد: (۱) بازآرندگی: فیفا مجبور می شود روایت ایران را در نظر بگیرد و از افراط در اجرای تبلیغاتی مسابقه بپرهیزد. (۲) چانه زنی: ایران می‌تواند در مذاکره پشت پرده اجرای نرم تر و کم نامتدترین عنوان را مطالبه کند.

پیام ایران: دفاع از استقلال، نه نفی حقوق بشر

ایران می‌تواند با یاد پیام خود را دقیق تنظیم کند: اعتراض ایران: نه علیه افراد دگرباش، بلکه علیه سیاسی سازی فوتبال و تحمیل فرهنگی است. ایران از «حق تفاوت» دفاع می‌کند: حقی که بخش جدایی ناپذیری از حقوق بشر جهانی است. همان طور که ایران ارزش های خود را به دیگران تحمیل نمی‌کند، انتظار دارد میزبان جام جهانی نیز ارزش های فرهنگی خاص را بر تیم های مسلمان تحمیل نکند.

روشن ساز کلام

در این چهارچوب، اعتراض ایران نه تنها مشروع و حقوقی است، بلکه بخشی از دفاع از «استقلال هویتی» کشور است. ایران می‌تواند نشان دهد که مسأله، مخالفت با آزادی را حقوق بشر نیست، بلکه مسأله حفظ حریم فرهنگی در برابر روندی است که فوتبال را تبدیل به سکوی یک پیام ایدئولوژیک می‌کند. این اعتراض، حتی اگر منجر به لغو عنوان «دیدار افتخار» (Pride Match) نشود، می‌تواند اجرا و پیام مسابقه را متعادل تر و غیرسیاسی تر کند و این، برای ایران یک موفقیت قابل دفاع است.

رفتار میزبان برخلاف اساسنامه



هوشنگ
نصیرزاده

کارشناس حقوقی

کمیته برگزاری مسابقات در سیاتل، بر اساس تصورات و گرایش های اعضا پیش از برگزاری، چنین تصمیمی را اتخاذ کرده اند و این موضوع هرگز به معنای تأیید رسمی آن از سوی فیفا نیست. با این حال باید توجه داشت که این گونه رفتارها معمولاً به روابط چوبی جریان های تندرو مداخله چوبی جریان های تندرو ارتباط پیدا می‌کند. با مطالعه رفتار ترامپ، به این باور می‌رسیم که رئیس جمهوری آمریکا نیز در خصوص این مسأله حساسیت هایی دارد و اساساً همجنس گرایی را قبول ندارد. اما ماجراجویی شهردار سیاتل، که عضو کمیته محلی برگزاری مسابقات در این شهر است، موجب این نامگذاری شده است. بدون تردید اگر موضوع را کالبدشکافی کنیم، درمی یابیم که فشارهای بیرونی در نامگذاری این بازی تأثیرگذار بوده است؛ بنابراین باید با در نظر گرفتن این مجموعه عوامل با موضوع برخورد کرد. قطعاً اعتراض فدراسیون های ایران و مصر به این مسأله تأثیرگذار خواهد بود و فیفا را وادار به عقب نشینی می‌کند. نکته مهم اینجاست که باید در اعتراض رسمی خود به مقام مندرج در اساسنامه استناد کنیم و با توجه به بندهای ۳ و ۴ اساسنامه فیفا گوشه زنی کنیم که این اتفاق خلاف قوانین جاری است و میزبان باید به قانون احترام بگذارد و از چهارچوب آن فراتر نرود. تصور می‌کنم اگر با استناد به اساسنامه فیفا پیگیری های لازم را انجام دهیم، قطعاً به نتیجه خواهیم رسید.

«ایران» بررسی می کند؛ کارشکنی های فراوان برای حضور تیم ملی ایران در آمریکا

جام جهانی با قانون جنگل

گروه ورزشی / در آستانه برگزاری جام جهانی ۲۰۲۶، فضای رسانه‌ای جهان بار دیگر آکنده از بحث ها و گزارش هایی است که نشان می‌دهد رفتارهای سیاسی و مدیریتی آمریکایی ها این رویداد بزرگ

جهانی را تحت الشعاع قرار داده است؛ تا جایی که بسیاری این دوره از رقابت ها را «سیاسی ترین جام جهانی تاریخ» می‌دانند. رفتارها و مواضع جنجالی دونالد ترامپ و دیگر سیاستمداران آمریکایی در روند برگزاری

مسابقات و در مقابل، سکوت معنادار فیفا موجی از واکنش ها و انتقادهای گسترده را در رسانه های بین المللی برانگیخته است. اکنون منتقدان بر این باور پافشاری می‌کنند که اینفانتینو در برابر رفتارهای سیاسی و

خط و نشان جدی ایران و مصر برای فیفا

در واکنش به حواشی ایجاد شده برای بازی در سیاتل

بازی زشت را تمام کنید!

گزارش یک

سینا حسینی / نامگذاری دیدار

ایران و مصر در جام جهانی ۲۰۲۶ به عنوان «روز افتخار» توسط کمیته محلی سیاتل، طوفانی از اعتراض های گسترده در محافل خبری و ورزشی به راه انداخت، به گونه ای که فدراسیون های فوتبال ایران و مصر صراحتاً فیفا را تهدید کردند که در صورت تأیید رسمی این نامگذاری، بازیکنان دو کشور واکنش جدی نشان خواهند داد. همه چیز از تصمیم جنجالی کمیته محلی سیاتل برای حمایت از همجنس گراییان آغاز شد؛ اقدامی که با قوانین فیفا و فرهنگ کشورهای حاضر در این مسابقه بشدت در تضاد است. بند ۴ اساسنامه فیفا به روشنی هرگونه تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی را ممنوع کرده و فیفا را مکلف به بی طرفی در مسائل سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک می‌سازد. همچنین، بند ۳ اساسنامه چهارچوب رعایت حقوق بشر و

احترام به فرهنگ های ملی را تعیین کرده است. بنابراین، تحمیل هر نماد ایدئولوژیک بدون توافق تیم ها، نه تنها مغایر اصول فیفا است، بلکه تجاوز آشکار به حاکمیت فرهنگی کشورهای عضو محسوب می‌شود.

براین اساس، فدراسیون فوتبال ایران با ارسال نامه ای به فیفا خواستار ارائه توضیح درباره تصمیم کمیته محلی سیاتل شد. مهدی تاج نیز در گفت وگو با یک برنامه تلویزیونی تأکید کرد که فدراسیون ایران به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد و فیفا موظف است مطابق درخواست ایران و مصر، نامگذاری را به کلی منغنی کند.

موضع فدراسیون فوتبال مصر نیز مشابه طرف ایرانی است. یکی از مقامات ارشد این فدراسیون اعلام کرده است که تیم ملی مصر حاضر نیست نام کشورش با برنامه ای پیوند بخورد که بر ارزش های ملی و مذهبی آن مغایرت دارد. فدراسیون مصر همچنین هشدار داده است که در صورت اجرای چنین برنامه ای در زمین مسابقه، واکنش جدی نشان خواهد داد.

چهره های عمومی مصری نیز به این اقدام واکنش تند نشان داده اند. «لمیس الحدیدی»، مجری سرشناس شبکه قاره ۲۴، این تصمیم را زننده و نامناسب خوانده و تأکید کرده است که جامعه مصر مجبور به پذیرش نمادهایی که با هنجارها و اخلاقیات ملی در تضاد است، نخواهد بود.

رسانه های بین المللی در آمریکا و

اروپا، با اشاره به تصمیم جنجالی کمیته محلی سیاتل و مخالفت ایران و مصر، روایت های متنوعی ارائه کرده اند؛ اما در بسیاری از این گزارش ها هیچ نقدی به تصمیم مذکور وارد نشده و رفتار دوگانه رسانه ها به وضوح نمایان است.

با وجود اینکه محدودیت های سیاسی آمریکا از جمله ممنوعیت سفر برای اتباع ۱۲ کشور از جمله ایران همچنان پابرجاست، فیفا اخیراً در بیانیه ای رسمی اعلام کرده که ویزا برای بازیکنان و اعضای کادر فنی تیم های ملی صادر خواهد شد اما صحبت های اخیر مسئولان فدراسیون موجی از ترس را به همراه داشته است.

اگرچه معافیت هایی برای ورزشکاران در نظر گرفته می‌شود، اما تاج هشدار داده این معافیت ها ممکن است برای بعضی از بازیکنان کافی نباشد.

این موضوع احتمالاً برای برخی از چهره های

نشده است، اما نکته عجیب این است که فیفا تاکنون واکنشی نسبت به اعتراض ایران و مصر نشان نداده که ابهامات درباره سیاست دوگانه این نهاد و اینفانتینو در قبال رفتار آمریکایی ها را برجسته می‌کند.

این رخداد نمونه ای آشکار از تقابل ارزش های جهانی با هنجارهای فرهنگی است. ورزش، که همواره

عرصه ای برای اتحاد و رقابت سالم بوده، اکنون در معرض تبدیل شدن به ابزار ایدئولوژیک قرار گرفته است.

کارشناسان هشدار می‌دهند که چنین اقدامات یکجانبه می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده ای داشته باشد و ضرورت رعایت بندهای ۳ و ۴ اساسنامه فیفا را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

مطرح تیم ملی چالش برانگیز باشد، در حالی که بازیکنانی که دارای تابعیت با پاسپورت غیرایرانی هستند، شانس بیشتری برای رفع موانع دارند؛ از جمله علیرضا جهانبخش با تابعیت هلندی، سردار آزمون با پاسپورت روسی، مهدی طارمی با پاسپورت برتقالی و علی قلی زاده با پاسپورت بلژیکی. فوتبال ایران که سودای شگفتی سازی در فوتبال جهان را دارد، نباید قربانی مسائل سیاسی شود. در صورت بی توجهی به حل این موضوع، احتمال حضور در جام جهانی بدون چند ستاره کلیدی، می‌تواند به کابوسی برای هواداران تبدیل شود.

تدارکات طلایی برای جام جهانی

قلعه نویی با غول های اروپا دست به یکی کرد؟



دیدار
احتمالی
با پرتغال
کریستیانو
رونالدو
برونو فرناندز
یا اسپانیای
جوان و
پرتغز،
می‌تواند
شبیه سازی
مناسبی از
مصاف با
بلژیک باشد



بازآمید، نقاط ضعف دفاعی و هجومی را اصلاح کند و مسیر عبور از گروه را هموار سازد. دیدار احتمالی با پرتغال کریستیانو رونالدو و برونو فرناندز با اسپانیای جوان و پرتغز، می‌تواند شبیه سازی مناسبی از مصاف با بلژیک باشد. از سوی دیگر، اسپانیای توجّه به هم گروهی با عربستان و پرتغال و همچنین هم گروهی با ازبکستان، قطعاً به دنبال رویارویی با تیم های آسیایی برای شناخت بیشتر فوتبال قاره خواهد بود؛ موضوعی که می‌تواند شانس ایران را برای هماهنگی این دیدار افزایش دهد. بازی با تیم های بزرگ بیش از هر زمان دیگری در دسترس به نظر می‌رسد، چرا که آنها نیز علاقه مند به رویارویی با ایران هستند. اکنون باید منتظر ماند و دید فدراسیون فوتبال تا چه اندازه قادر است این فرصت را به شکلی مؤثر و عملی به سرانجام برساند.

رئیس فدراسیون و سرمربی تیم ملی فوتبال ایران اعلام کرده اند که برنامه ریزی برای انجام دیدارهای تدارکاتی در دستور کار قرار گرفته است. به گفته امیر قلعه نویی، بلافاصله پس از قرعه کشی جام جهانی ۲۰۲۶ که ایران را در گروه G با تیم های بلژیک، مصر و نیوزیلند هم گروه کرد، مذاکرات با مربیان مطرح فوتبال جهان آغاز شده و پیشنهاد برگزاری بازی تدارکاتی به آنها ارائه شده است؛ «بلافاصله بعد از قرعه کشی با مربیان تیم های پرتغال، اسپانیا، گرواسی و مراکش صحبت کردیم. بسیاری از تیم ها برنامه های شان را سریع بسته بودند و ما نمی‌خواستیم فرصت را از دست بدهیم.» این سخنان در حالی مطرح می‌شود که مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، از پیشرفت مذاکرات با اسپانیا و پرتغال خبر داده و گفته است: «اسپانیا قرار است به قطر سفر کند و احتمال دارد بعد از بازی با قطر با ما روبه رو شود.» با وجود این وعده ها، هنوز خبر رسمی از قطعی شدن دیدارهای تدارکاتی منتشر نشده است؛ با این حال نباید فراموش کرد که این بازی ها در فیدای های پیش رو برگزار می‌شوند و نقش حیاتی در آماده سازی تیم ملی ایفا خواهند کرد. طبق تقویم فیفا، تنها دو پنجره اصلی تا آغاز جام جهانی باقی مانده و این فرصت طلایی برای قلعه نویی است تا ترکیب اصلی را مقابل حریفان قدرتمند



فیفا در هر
جام جهانی
حدود
۱۰ درصد
ظرفیت هر
مسابقه را
در اختیار
تیم های حاضر
می‌گذارد تا به
هوادرانشان
بفروشند
رقعی حدود
۵ تا ۸ هزار
بلیت برای هر
بازی مرحله
گروهی



سهام بلیت تیم ها معمولاً به صندلی های بهتر و موقعیت مناسب تر اختصاص دارد و به همین دلیل فدراسیون ها ترجیح می‌دهند خودشان آنها را بفروشند تا هم درآمد مستقیم داشته باشند و هم هواداران نزدیک به تیم را در جایگاه های اصلی مستقر کنند.

با این حال، واقعیت این است که ایرانیان داخل کشور به دلیل مشکل ویزا در عمل از خرید بی نصیب می‌مانند و این برنامه بیشتر به نفع ایرانی های خارج نشین تمام می‌شود؛ آن هم در شرایطی که خرید مستقیم از سایت فیفا برای کسانی که پاسپورت یا حساب خارجی دارند راحت تر و حتی ارزان تر است. به نظر می‌رسد بخش زیادی از اظهارات تاج خطاب به جامعه دوتابعیتی داخلی و مهاجران مقیم ایالات متحده باشد تا هواداران ایرانی خارج از ایران!

پس از قرعه کشی جام جهانی ۲۰۲۶ و هم گروهی

تیم ملی فوتبال ایران با بلژیک، مصر و نیوزیلند، مسأله انتخاب کمپ تدارکاتی مناسب، اولین چالش مهم و حساس پیش روی فدراسیون فوتبال است. در این دوره ۶۴ کمپ در سه کشور آمریکا، مکزیک و کانادا در اختیار تیم ها قرار گرفته و فدراسیون ها موظفند محل استقرار اصلی خود را پیش از آغاز رقابت ها انتخاب کنند.

براساس اظهارات مسئولان فدراسیون، به نظر می‌رسد کمپ ایران در ایالات کالیفرنیا گزینه اصلی ایران باشد. فاصله نزدیک ۱۲ دقیقه ای این کمپ به فرودگاه و همچنین مسافت ۵۶ کیلومتری

بس آلنجلس که میزبان دو مسابقه ایران در

انتخاب پریسک

تیم ملی در سایه

مانع تراشی های سیاسی

مرحله گروهی است، از مهم ترین مزیت های این انتخاب عنوان شده است. برگزاری دو مسابقه در لس آنجلس و یک مسابقه در سیاتل، از لحاظ فنی، استقرار در اروپا را منطقی کرده است. این کمپ امکانات مدرن و دسترسی مناسبی به استادیوم ها دارد که از این نظر بهترین گزینه برای تیم ملی محسوب می‌شود.

با این حال، این انتخاب در شرایطی انجام می‌شود که سایه مسائل مربوط به صدور ویزا و کارشکنی های دولت آمریکا همچنان بر برنامه های اجرایی تیم ملی سنگینی می‌کند. انتخاب کمپ در خاک آمریکا می‌تواند از نظر لجستیک ایده آل باشد، اما هر گونه مشکل یا تصمیمات امنیتی و

مدیریتی می‌تواند بر آمادگی تیم قلعه نویی

کرده است.

علاوه بر مسائل ویزا، احتمال فشارهای سیاسی و تصمیمات غیرورزشی نیز وجود دارد؛ موضوعی که می‌تواند فراتر از وعده های فیفا عمل کند. در صورتی که تغییر کمپ ضروری شود، این مسأله برای تیمی که به دنبال عبور از گروه دشوار است، یک ریسک جدی محسوب می‌شود.

با وجود مزایا، این انتخاب پریسک است و فدراسیون باید گزینه های پشتیبان مانند کمپ های کانادا را به طور جدی بررسی کند چرا که جام جهانی بدون تنش های سیاسی، روایی قابل لمس بود که سیاست های کشور میزبان آن را برای ما با چالش روبه رو کرده است.